

تحلیل انتقادی ساختار و محتوای فرهنگ نظامی پژوهی

سیدعلی رضوانی^۱، سیدجواد مرتضایی^{۲*}

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار ایران و گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده

ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

بهار ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۱، صص ۲۱۹-۲۰۵

DOI: 10.22034/bahreadab.2023.15.6761

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: با وجود نمایه‌های شبکه‌ای که دسترسی به پژوهش‌های مورد نیاز را تسریع و تسهیل کرده، همچنان کتابهای مقاله‌پژوهی محل مراجعه پژوهندگان است و چنانچه موضوع چنین کتابی تحقیق پیرامون نظامی گنجوی باشد، که جایگاهی ارزشمند در ادبیات ایران و جهان دارد، اهمیت آن دوچندان خواهد بود. هدف از این جستار تحلیل انتقادی کتاب فرهنگ نظامی پژوهی، نوشته زینب نوروزی (۱۳۹۱) و تبیین محاسن و معایب آن در سطوح ساختاری و محتوایی و نیز پیشنهاداتی برای اصلاح آن در چارچوب بعدی است.

روش مطالعه: رویکرد نظری این پژوهش مطالعات فرآیندی یعنی نقد آثار انتقادی است. داده‌های مورد نیاز این تحقیق از طریق کدوکاو در منابع کتابخانه‌ای تأمین شده و سپس این داده‌ها با روش توصیفی - تحلیلی واکاوی شده‌اند. در مسیر تحقیق، بسته به موضوعات فرعی، دامنه مطالعات ابعاد ساختاری و محتوایی کتاب را پوشش داده است.

یافته‌ها: مجموع یافته‌های تحقیق در دو گروه محاسن و معایب اثر قابل توصیف است. اهمیت موضوع منتخب، بازه زمانی معلوم تحقیق، وصف مضامین و منابع اصلی هر مقاله، نقد مقالات از منظر ساختاری و محتوایی، یادکرد از پژوهش‌های متأثر از هر مقاله، طبقه‌بندی موضوعی مقالات و زیرمجموعه‌های آنها، ارائه تحلیلهای آماری و درج نمایه‌های چندگانه جزو محسنات این کتاب است. از سوی دیگر، عدم استقصای تام در مورد مقالات بازه تحقیق و چاپ مجدد آنها، خطا در نتایج تحلیلهای آماری، خطا در رعایت توالی زمانی مقالات و الگوی مناسب برای درج سال نشر، عدم دقت در ثبت عنوان دقیق مقالات و نام نویسندگان و نشانی دقیق مقاله‌ها از کاستیهای آن است.

نتیجه‌گیری: فرهنگ نظامی پژوهی اثری ارزشمند با محسنات متعدد است که با رفع عیوب ساختاری و محتوایی آن در چارچوب بعدی، میتوان بر ارزش علمی آن افزود.

تاریخ دریافت: ۰۳ بهمن ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۰۵ اسفند ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۱۹ اسفند ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۰۶ اردیبهشت ۱۴۱۰

کلمات کلیدی:

نقد کتابشناسی، فرهنگ نظامی پژوهی، تحلیل ساختاری، تحلیل محتوایی

* نویسنده مسئول:

rezvani@iaus.ac.ir

۳۸۸۰۵۰۰۰ (۹۸ ۵۱) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Critical analysis of the structure and content of "Bibliography of Nezâmi Research"

S.A. Rezvani*¹, S.J. Mortezaei

1- Department of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar Iran and Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 23 January 2022
 Reviewed: 24 February 2022
 Revised: 10 March 2022
 Accepted: 26 April 2022

KEYWORDS

Bibliographic Criticism,
 Bibliography of Nezâmi
 Research, Structural Analysis,
 Content Analysis

*Corresponding Author
 ✉ rezvani@iaus.ac.ir
 ☎ (+98 51) 38805000

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Despite the network indexes that have accelerated and facilitated access to the research of each researcher, bibliography books are still a reference point for researchers. If the subject of such a book is studying Hakim Nezâmi Ganjavi's poetry, the famous poet of the sixth century AH, which has a valuable place in Iranian and world literature, it will be more noteworthy. This study concentrates on the critical analysis of the book *Bibliography of Nezâmi Research*, written by Zeinab Nowruzi (2012). It explains its structural and content advantages and disadvantages and offers suggestions for its correction in the next prints.

METHODOLOGY: The theoretical framework of this research is Meta-critical which is a critique of critical works. The data gathering for this research is through library resources. Then these data were analysed by descriptive and analytical methods. The scope of studies, depending on the sub-topics, covers the structural and content dimensions of the book.

FINDINGS: The research findings can be described in two groups: advantages and disadvantages of the work. The advantages are as follows: The importance of the chosen subject; Clear period of the research zone, description of the main themes and sources of each article, critique of articles both structurally and in terms of content, mention of research influenced by each article, thematic classification of articles and their subdivisions, presentation of statistical analyses and inclusion of multiple indexes. On the other hand, the shortcomings are as follows: incomplete investigation of papers in the period of research and their reprint, error in the results of statistical analysis, error in observing the chronology of articles and the appropriate pattern for entering the year of publication, inaccuracy in recording the exact title of articles and authors and exact references.

CONCLUSION: The Bibliography of Nezami Research is a valuable book with many advantages that can be added to its scientific value by eliminating its structural and content defects in future editions.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6761](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6761)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 10	 0	 0

مقدمه

مقاله‌شناسی بخشی از دانشی است که با عنوان کتابشناسی یا کتاب‌نگاری شناخته می‌شود. کتابشناسی سه وجه دارد: (۱) صورتی از مقاله‌ها که برحسب سرشناسنامه (شامل پدیدآور یا عنوان اثر)، بشکل مستقل یا در پایان کتابها بصورت منابع و مأخذ چاپ شود. (۲) نمایه‌سازی موضوعی مقالات پی‌آیندی خاص یا گروهی از پی‌آیندها. (۳) فهرستی مرکب از شناسه‌های مندرجات مجلات یا سایر پی‌آیندها، خواه فهرست یک مجله خاص باشد یا گروهی از مجلات را دربر گیرد و ذیل هر شناسه، مشخصات کامل کتابشناسی مقاله مربوطه ذکر شود (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹: ۱۸-۱۹).

به مقوله کتابشناسی از دو منظر میتوان پرداخت. یک رویکرد توجه به اصطلاح کتابشناسی همراه با کارکرد فرهنگی آن به معنای تهیه فهرستی از این اشیاء (کتابها) برای مراجعه‌های بعدی است. این جنبه از کتابشناسی توصیفی است. رویکرد دیگر از جنبه توصیف صرف فراتر می‌رود و طی آن، پژوهشگر تلاش میکند علاوه بر تهیه فهرستی از آثار مرتبط با یک موضوع خاص، درباره داده‌های بدست‌آمده به سنجش بپردازد و از این رهگذر به یافته‌های قابل اعتماد دست یابد. برای مفهوم اخیر اصطلاح کتاب‌سنجی مناسبتر است (کارتر و بارکر، ۲۰۰۴، ۳۷).

از بُعد تاریخی، توجه به مقالات علمی و ارتقای جایگاه آنها در پهنه پژوهشهای روشمند از قرن هجدهم میلادی آغاز گردید و در سده بیستم با افزایش کمی و کیفی مجلات ادواری در جهان، لزوم داشتن نگاه کلی بر مجموعه کارهای انجام‌شده در یک حوزه مشخص، بر پژوهشگران مسلم شد (اسمیت، ۲۰۰۹: ۲۰۸-۲۰۷). در زبان فارسی، آغازگر این سیره تحقیقی ایرج افشار یزدی (۱۳۸۹-۱۳۰۴ ش، تهران، ایران‌شناس، کتاب‌شناس، نسخه‌پژوه، نویسنده و استاد دانشگاه تهران بود. مقاله‌نامه‌هایی با عنوان *فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی* که او تهیه میکرد، اهمیت این عرصه را بر محققان آشکار ساخت. نخستین جلد این آثار در سال ۱۳۴۰ ه. ش در نشرات دانشگاه تهران منتشر شد. سپس تهیه فهرستهای مقاله‌شناسی رونق گرفت و پژوهشگران علوم دیگر نیز، که به ارزش مقاله‌شناسی وقوف یافته بودند، به این امر پرداختند (صدیق بهزادی، ۱۳۷۴: ۱۳۱-۱۲۶).

در عصر حاضر، وجود نمایه‌های الکترونیک، که تحت شبکه جهانی اینترنت آخرین دستاوردهای پژوهشی را در حوزه‌های مختلف علوم فهرست میکنند، به سرعت و آسانی دسترسها افزوده است. با این حال همچنان کتابهای مقاله‌پژوهی مرجع بسیاری از پژوهندگان است و این مسئله اهمیت پرداختن به این آثار را گواهی میدهد.

جستار پیش رو به معرفی و نقد و بررسی کتاب *فرهنگ نظامی پژوهی*، تألیف زینب نوروزی (۱۳۹۱) پرداخته است. اهمیت آثار مقاله‌پژوهی از یک سو و جایگاه شاخص حکیم نظامی گنجه‌ای (۶۱۲-۵۳۵ ق. ه. ش) در ادبیات ایران و جهان و تأثیرگذاری او بر شاعران پس از خود از سوی دیگر، نشان‌دهنده ارزش کتاب مزبور و نقد و تحلیل آن است. پژوهش حاضر که در واقع مصداقی از مصادیق مطالعات فرآیندی است؛ یعنی تحقیقی که در آن به نقد آثار پژوهشی می‌پردازند (نصرتی، ۱۳۹۱: ۲۲) در وهله نخست، این کتاب را معرفی میکند و سپس از مناظر ساختاری و محتوایی به بررسی محاسن و کاستیهای آن می‌پردازد و پیشنهادهایی برای ارتقا و بهبود آن در چارچوب بعدی در اختیار مؤلف قرار میدهد. ضمن اینکه این جستار کمک میکند محققانی که از این پس قصد تألیف کتب و رساله‌های مقاله‌پژوهی دارند، آثاری جامعتر و بی‌نقصتر را به جامعه خوانندگان تقدیم کنند. داده‌های لازم برای انجام این جستار از طریق مطالعه در منابع کتابخانه‌ای حاصل آمده و سپس این داده‌ها به فراخور نیاز، با روش توصیف و تحلیل بررسی شده است.

سابقه پژوهش

پژوهشی که بر نقد کتاب فرهنگ نظامی پژوهی متمرکز باشد، مشاهده نشد. از نظر سابقه پژوهش، میتوان به معدود تحقیقاتی اشاره کرد که رویکردی مشابه جستار حاضر اتخاذ کرده‌اند، همچون رساله دکتری خورشید نوروزی (۱۳۸۷) با عنوان «نقد و تحلیل تحقیقات نظامی پژوهی در کتابهای فارسی (۱۳۸۴-۱۳۰۰)» و مقاله مستخرج از آن، که نوروزی (۱۳۸۷ الف) با عنوان «تحلیل رویکرد تحقیقات نظامی‌شناسی در کتابهای محققان ایرانی از ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۴» منتشر کرده است. همچنین مقاله‌ای از زینب نوروزی (۱۳۸۹) مؤلف کتاب فرهنگ نظامی پژوهی، با عنوان «آسیب‌شناسی تحقیقات مربوط به نظامی گنجوی» جای یادکرد دارد. از آنجاکه مشکل اساسی مقاله پژوهیها عمدتاً در اختیار نداشتن چارچوبی مشخص بعنوان سبک و طریقی پذیرفته شده برای چنین مطالعاتی است، مقاله‌ای از عبدی و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «پیشنهاد چارچوبی نو برای کتابشناسی توصیفی-تحلیلی با تأکید بر دیدگاه انتقادی» را که سبکی معین برای این دست پژوهشها در اختیار محققان قرار داده است، میتوان بمثابه اقدامی ارزنده برای حل این معضل پژوهشی دانست. این قسم آثار میتواند برای تحقیقاتی که بشکل فراتقدی بر مقاله پژوهیها انجام میشود، نیز بمثابه نقشه راه قلمداد شود؛ همچون مقاله‌ای با عنوان «نقدی بر کتابشناسی ادبیات داستانی معاصر فارسی» که حقیقی (۱۳۹۲) تألیف کرده است.

ساحت مشترک تحقیقات فوق با جستار پیش رو، رویکرد فراتقدی همه این آثار در باب مقاله‌شناسی آثار ادبی است. درعین حال تفاوت و تمایز جستار حاضر با موارد فوق در موضوع تازه آن است؛ چه پژوهشهای پیشین به نقد کتاب فرهنگ نظامی پژوهی نپرداخته‌اند و از آنجاکه کتاب موردنظر بر شاعری همچون نظامی گنجه‌ای متمرکز است که یکی از شاعران برجسته ایران با اعتبار جهانی و دامنه تأثیرگذاری وسیع است، نقد کتاب نوروزی را نیز از اهمیت برخوردار میسازد.

بحث و بررسی

معرفی کتاب فرهنگ نظامی پژوهی

این کتاب که به سال ۱۳۹۱ در ۶۳۹ صفحه، با ابعاد وزیری (۱۷×۲۴) و جلد گالینگور در ۲۰۰۰ نسخه در انتشارات علمی و فرهنگی برای یک نوبت چاپ شده، در واقع رساله دکترای نویسنده آن، زینب نوروزی در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز است که تحت عنوان «بررسی تحلیلی-توصیفی مقالات فارسی مربوط به نظامی در ایران (۱۳۸۰-۱۳۰۰)» و به راهنمایی محمدحسین کرمی به سال ۱۳۸۵ (ش.) تألیف و دفاع شده است. در تحقیق مزبور ۵۶۰ مقاله که نوروزی در نمایه‌ها و فهرستها ملاحظه کرده، گردآوری شده و با طبقه‌بندی موضوعی، زمانی و الفبایی مرتب شده است. وی ابتدا مضامین عمده هر مقاله و منابع اصلی آن را ذکر کرده و سپس به ارزیابی مقاله پرداخته است. در موارد ضروری، تأثیرات و پاسخهایی که برای مقالات وجود داشته، مطرح شده است. رساله نوروزی از نه فصل تشکیل شده است. فصل نخست مقدمه و کلیات طرح تحقیق را روشن میسازد. سپس هفت فصل پیاپی می‌آید که هر کدام به اثری از آثار نظامی متوجه است و به ترتیب عبارتند از کلیات خمسه (۲۵۰مقاله)، مخزن الاسرار (۴۷مقاله)، خسرو و شیرین (۱۹مقاله)، لیلی و مجنون (۵۲مقاله)، هفت پیکر (۴۷مقاله)، اسکندرنامه (۳۷مقاله)، و دیوان اشعار نظامی (۸مقاله). در فصل نهم برخی مشکلات تحقیق، پیشنهادهایی برای ارتقای تحقیقات در آثار نظامی در آینده و نیز تجزیه و تحلیل‌های آماری قرار دارد. رساله موردبحث با همین نظم موضوعی و تنها با این

تفاوت که فصل تجزیه و تحلیلها از انتهای رساله بعنوان مقدمه، به آغاز کتاب منتقل شده، در سال ۱۳۹۱ بصورت کتاب منتشر شده است. این کتاب موضوع بررسی جستار حاضر قرار دارد.

سوی فصولی که عمدتاً رویکرد توصیفی دارند، مهمترین بخش کتاب از منظر تحلیلی را میتوان مقدمه ارزشمند آن دانست که طی آن، نویسنده با کمک جدولها و نمودارهایی که ذکر کرده به مقایسه و تجزیه و تحلیل داده‌های بدست‌آمده از فصول بعدی پرداخته است.

جدول شماره یک حاوی تعداد و درصد مقالات منتشرشده در مجلات است و در آن از ۸۹ مجله نام برده شده است. طبق این جدول، مجله *ارمغان* با ۵۱ مقاله (۸٫۶٪ از کل) فعالترین مجله در انتشار مقالات نظامی پژوهی بوده است (نوروزی، ۱۳۹۱: هفده). جدول شماره دو تعداد و نسبت درصد مقالات منتشرشده در مجموعه مقالات را همراه با نام گردآورنده آنها ذکر کرده است. طبق این جدول، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی نهمین سده تولد حکیم نظامی (تبریز)، به کوشش منصور ثروت، با ۱۲۸ مقاله (۲۱٫۵٪ از کل)، بیشترین مقاله را در حوزه مورد بحث منتشر کرده است (همان: بیست). در جدول شماره سه تعداد و نسبت درصد مقالات نظامی پژوهی که در کتابها مندرج است، ذکر شده و طبق آن، ۱۴ کتاب و در هر کتاب یک مقاله ملاحظه میشود (همان: بیست‌ویک). سه جدول مزبور درعین حال که مقایسه‌ای میان ناشران مقالات کرده، فهرستی را هم از مجموع ناشران علاقه‌مند به نظامی پژوهی در اختیار خواننده میگذارد که ارزش آن را افزون ساخته است.

به همین ترتیب، جدولهای دیگری نیز در بخش مقدمه کتاب نوروزی مذکور است که هر یک کاربردهای اطلاع‌رسانی و تحقیقی دارد. جدول چهارم مربوط به نویسندگان مقالات است و نشان میدهد به ترتیب، بهروز ثروتیان با ۲۴ مقاله و حسن وحیددستگردی با ۲۰ مقاله برترین نظامی پژوهان در حوزه مقالات هستند. جدول پنجم نشان میدهد نویسندگان ایرانی ۹۱٪ و نویسندگان خارجی ۹٪ از مقالات را تألیف کرده‌اند. جدول ششم معرف جنسیت نویسندگان است و معلوم میکند ۹۴٪ از آنها مرد و ۶٪ زن بوده‌اند. جدول هفتم رویکرد زمانی دارد و معرف آن است که در برهه زمانی ۱۳۷۴-۱۳۷۰ بیشترین تعداد مقاله نظامی پژوهی معادل ۵۲٫۵٪ از کل ۵۶۰ مقالات منتشر شده است. در این باب نموداری هم رسم شده که بر همین مطلب گواهی میدهد. جدول هشتم مقالات را به دو گروه تقسیم کرده و حاکی از آن است که ۲۹٫۴٪ پیش و ۷۰٫۶٪ آنها پس از انقلاب اسلامی منتشر شده است. جدول نهم مقالات را بر اساس توجه خاص به اثر یا آثاری از نظامی طبقه‌بندی و معلوم میکند که نقد کلیات با ۲۵۰ مقاله (۴۴٫۶٪) محوریتین موضوع برای پژوهندگان بوده است. پس از آن به ترتیب *مخزن الاسرار* (۸٫۴٪)، *خسرو و شیرین* (۲۱٫۳٪)، *لیلی و مجنون* (۹٫۳٪)، *هفت پیکر* (۸٫۴٪)، *اسکندرنامه* (۶٫۶٪) و *دیوان نظامی* (۱٫۴٪) قرار دارند. جدول دهم مقالات را بر اساس موضوعات جزئی هر یک از آنها طبقه‌بندی کرده است. طبق این جدول و نمودار پیرو آن، معرفی نظامی و آثار او بیش از سایر موضوعات محل توجه محققان بوده است.

جدول یازدهم دوبعدی است و مقایسه‌ای همزمان بین موضوع جزئی و اثری از نظامی که درباره آن تحقیق شده است، انجام میدهد و طبق آن، معرفی نظامی و آثار او با توجه به کلیات خمسه بیش از سایر آنها بررسی شده است. جداول دوازدهم تا هجدهم همین مسئله را به تفکیک آثار در جدولی مستقل ذکر کرده است. جدول نوزدهم نشان میدهد مجلات تخصصی ادبی بیش از مجله‌های غیرتخصصی، مجموعه مقالات و کتابها و مقالات نظامی پژوهی را در خود گنجانده است (همان: بیست و یک-سی و چهار).

جدول بیست نیز ارزشمند است؛ زیرا خواننده را با این مطلب آشنا میکند که غالب مقالات، موضوعی مستقل داشته‌اند و نقد و پاسخ به نقد (مجموعاً) کمتر از ۱۸٪ مقالات را شکل میدهند. در جدول بیست‌ویک زبان مقالات

بررسی شده و طبق آن، ۹۵٪ مقالات زبان نوشتاری و تنها ۵٪ آنها زبان گفتاری را به کار بسته‌اند. در جدول بیست‌ودوم موضع نویسندگان مقالات نسبت به نظامی معلوم شده است؛ بنحوی که ۹۷٪ غیرانتقادی و فقط ۳٪ آنها انتقادی هستند. جدول بیست‌وسه دفعات چاپ مقاله واحد را معلوم کرده و طبق آن، ۹۳،۷٪ یک بار، ۵،۹٪ دو بار و ۰،۴٪ سه بار چاپ شده‌اند. تناسب عنوان با متن در جدول ۲۴ بررسی شده است. بر اساس این جدول، در ۹۷،۵٪ آنها عنوان و متن متناسب است و در ۲،۵٪ چنین نیست. آخرین جدول با شماره بیست‌وپنج منابع داخلی و خارجی مقالات را مقایسه کرده و نشان می‌دهد ۴۸٪ مقالات صرفاً به منابع فارسی مراجعه داشته و مهم آنکه ۴۵،۹٪ فاقد منبع هستند (همان: سی و چهار-سی و هفت).

محاسن فرهنگ نظامی پژوهی

اهمیت موضوعی اثر: نخستین و مهمترین جنبه‌ای که از محسنات کتاب نوروزی بشمار می‌آید، موضوع آن است. پرداختن به نظامی گنجوی بعنوان شاعری صاحب سبک مشخص که در ایران و جهان شناخته شده و تأثیرگذار بوده است، موجب میشود اثر نوروزی نیز واجد اهمیت شود؛ زیرا به هر روی محلّ مراجعه کسانی قرار می‌گیرد که به آن شاعر ممتاز توجه دارند. در این مسیر، شناساندن مقالاتی که در باب شخصیت، زندگی و احوالات و آثار نظامی نوشته شده، خدمتی شایسته به سرمایه‌های ادبی ایران و جهان است.

مشخص و مناسب بودن بازه زمانی پژوهش: انتخاب بازه زمانی معلوم برای انجام تحقیق و محدود ساختن مقالاتی که در این بازه منتشر شده نیز بر ارزش تحقیقی این فرهنگنامه افزوده است. نوروزی پایان بازه زمانی پژوهش را بردستی برگزیده است. چنانچه توجه داشته باشیم که دفاع او از رساله دکتری در سال واقع شده، طبیعتاً زمان آغاز فعالیت‌های تحقیقی او حداقل سه سال قبل از آن بوده است. فاصله باقیمانده بین این دو تاریخ همان زمانی است که به پژوهشگر فرصت میدهد تا مقالاتی را بدست آورد که در حال ثبت در مجلات و نمایه شدن هستند و این امر حکایت از هوشمندی مؤلف دارد؛ چه در غیر این صورت (یعنی انتخاب سالهای پس از ۱۳۸۰ برای انتهای دوره مطالعاتی)، ممکن بود مقالات مهمی ازدست برود که در این بازه قرار دارند، ولی در اختیار محقق نبوده‌اند.

بحث از موضوعات اصلی مقالات: نوروزی ذیل هر مقاله‌ای که ثبت کرده، ابتدا بخشی ذیل عنوان «مضامین اصلی» آورده و در آن محتوای هر مقاله را بصورت موجز بیان کرده است. این مطالب در شناساندن موضوع مقاله بسیار کارآمد است؛ بنحوی که خواننده بدون نیاز به مراجعه به مقاله موردنظر هم میتواند دریابد که نویسنده چه مطالبی را مطرح کرده است. این شگرد درمورد مقالاتی که عنوان آن چندان گویای محتوای آن نیست، ارزش دوچندانی پیدا کرده است. برای مثال مقاله‌ای تحت عنوان «زوزو-زوانو» تألیف عزیز دولت‌آبادی (۱۳۷۰) درباره تأثیر زبان کردی و نیز زبان کهن آذری بر زبان شعری حکیم گنجه است؛ ولی برای کسانی که بر آثار نظامی مسلط نباشند، عنوان نمیتواند از پیش روشن کند که مقاله در چه موضوعی تألیف شده است، اما توضیحات مؤلف فرهنگنامه مزبور این مطلب را آشکار میسازد (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۲۹۳).

رویکرد انتقادی به مقاله‌شناسی: نویسنده کتاب هرچا نیاز به آن دیده که آرای انتقادی خود را نیز درباره مقاله‌ای که ثبت میشود، بیان کند، آن را نیز ذیل بخش «اشاره» آورده است. این آرای انتقادی هم شامل محسنات

و نقاط قوت شاخص مقاله و هم دربرگیرنده ایرادات و نواقص آن از ابعاد ساختاری و محتوایی است. برای نمونه مقاله‌ای تحت عنوان «تقلید ادبی: لیلی و مجنون مکتبی (۳)» تألیف رشید یاسمی (۱۳۴۰) چنین است. نوروزی در بخش اشاره، ابتدا خواننده خود را متوجه این امر میسازد که مقاله مزبور نخستین مقاله‌ای است که درباره چگونگی تقلید مکتبی شیرازی از نظامی گنجوی در خلق *لیلی* و مجنون صورت گرفته است. او سپس درباره زبان غیرعلمی یاسمی که گاه به توهین بر مکتبی شیرازی نزدیک شده، روشنگری کرده و از آن انتقاد میکند. نوروزی اشکالات ساختاری مقاله مزبور و از جمله کاستی در ذکر منابع و مآخذ و یا اشکالاتی در پاراگراف‌بندی را نیز از قلم نینداخته و مخاطبش را از این موارد آگاه ساخته است (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۴۵۹-۴۵۸).

بررسی تأثیرگذاری مقالات: یکی دیگر از محسنات محتوایی کتاب نوروزی ذیل بخش «تأثیرات و پاسخها» شکل گرفته است. در اینجا نویسنده در موارد ضروری به آثاری توجه کرده که درباره یک مقاله تولید شده است. به عبارت دیگر، هرگاه محقق دیگری مقاله موردنظر را نقد کرده و یا پژوهشی تازه را متأثر از آن مقاله تألیف کرده، در پایان توضیحات «بخش اشاره»، نشانی آن اثر نیز ضبط شده است. این شگرد خلاقانه نویسنده باعث میشود خواننده‌ای که قصد دارد یک موضوع خاص را پیگیری کند، آسانتر بتواند آثار بعدی را بشناسد و احتمالاً در همان کتاب درباره آن مطالعه کند. مثلاً در پایان فهرست‌بندی و تشریح مقاله‌ای با عنوان «لیلی و مجنون نظامی و مجنون و لیلی امیرخسرو دهلوی» از محمدجعفر محبوب (۱۳۴۲)، درباره مقاله دیگری یادآوری شده با عنوان «لیلی در آیینة واقعیت» از محمد ریحانی (۱۳۷۶) که با توجه به مقاله محبوب و در پاسخ به آن تألیف شده است (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۴۷۲-۴۷۱).

بررسی منابع مقالات: هریک از مقالاتی که درمورد نظامی و آثارش نوشته شده، به هر روی مآخذ یا مأخذی دارد. این منابع دو دسته هستند. یکی مأخذ اصلی که محور کلیت مباحث را شکل میدهد و دیگر منابع فرعی که در موضع محدودی از مقاله محل توجه قرار گرفته است. نوروزی طی بررسی هر مقاله پس از آنکه مضامین اصلی مقاله را توضیح میدهد، قسمتی را تحت عنوان «منابع اصلی» ذکر کرده است. این رویکرد خواننده را از مراجع به اصل مقاله مزبور برای مطلع شدن از مآخذ آن، بی‌نیاز ساخته است. برای مثال، ذکر شده که مقاله‌ای با عنوان «خسرو و شیرین در دو روایت» نوشته کتابیون مزداپور (۱۳۷۱)، دو منبع اصلی دارد: خسرو و شیرین تصحیح بهروز ثروتیان (۱۳۶۶) و *شاهنامه فردوسی*، تصحیح انتقادی برتلس (۱۹۷۱) (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۳۷۳).

نقد کاستی مقالات از نظر منبع‌نگاری: در مواردی که محقق مقاله‌نویس ذکر منابع را فراموش کرده، نوروزی به این مطلب اشاره کرده است؛ مثل مقاله‌ای با عنوان «افسانه آب حیات در اسکندرنامه نظامی و روایات دیگر داستان اسکندر» از بهمن سرکاراتی (۱۳۷۲) که نوروزی در پایان آن مینویسد: «منابع خارجی بخوبی معرفی شده‌اند، اما نشانی منابع فارسی مثل *اسکندرنامه* نظامی ذکر نشده و این از ارزش مقاله کاسته است» (نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۵۸).

طبقه‌بندی محتوایی مقالات: یکی از ویژگیهای ارزشمند کتاب موردبحث آن است که مقالات را بر اساس محتوای آنها دسته‌بندی کرده است. این امر باعث شده خواننده‌ای که موضوعی خاص را در مقالات نظامی پژوهی جستجو میکند، بسادگی آن را بیابد. در این کتاب، هر فصل به بررسی یکی از آثار نظامی تعلق دارد. تقسیم‌بندی موضوعی

مزبور به این صورت است که مقالات مربوط به هریک از آثار نظامی از چهارده منظر طبقه‌بندی می‌شود که عبارتند از: «معرفی اثر نظامی»، «مباحث ادبی، هنری و زیباشناسی»، «دستوربان و زبانشناسی»، «مباحث تطبیقی»، «مباحث دینی، اخلاقی، عرفانی و کلامی»، «مباحث اجتماعی و جامعه‌شناسی»، «مباحث روانشناسی»، «مباحث علمی»، «شخصیتهای اثر نظامی»، «داستانهای اثر نظامی»، «تحلیل ابیات»، «نسخه‌شناسی و تصحیح متن»، «نقد و بررسی کتابها و مقالات مربوط به آن اثر حکیم گنجه‌ای» و «مباحث متفرقه» (نوروزی، ۱۳۹۱: پنج تا هشت).

کاربرد جدول و نمودار و نمایه‌های متعدّد در تشریح و تحلیل: در معرفی کتاب فرهنگ نظامی پژوهی از جداول و نمودارهای متعدّدی نام بردیم که نویسنده در بخش مقدمه اثرش گنجانده و با این کار، داده‌های ارزشمندی را بصورت موجز و دسته‌بندی‌شده درباره‌ی تحلیلهایی از کم و کیف تحقیق پیرامون حکیم گنجوی در اختیار خواننده قرار داده است. به عبارت دیگر توضیحاتی که میتواند در صفحات متعدّد ذکر شود، در ساختاری منسجم و روشن در مقابل دیدگان مخاطب آمده و او بسادگی میتواند بین داده‌ها به پیش و پس حرکت و آنها را با هم مقایسه کند. این رویکرد ساختاری علاوه بر اینکه به ظاهر این کتاب جلوه‌ی محقق‌پسندانه‌ای داده، کار مطالعه را برای خواننده تسهیل کرده است. در کنار جداول و نمودارهای مزبور، یکی دیگر از خصوصیات ساختاری بالارزش این کتاب نمایه‌های آن است. در انتهای کتاب سه فهرست مندرج است. (۱) منابع و مأخذ: فهرستی است برای معرفی منابع و مأخذی که نویسنده برای توضیحات خود بر مقالات بکار گرفته و در دو بخش فارسی و انگلیسی بر اساس استاندارد APA به ترتیب حرف اول نام خانوادگی نخستین نویسنده مرتب شده است. (۲) نمایه‌ی عنوان مقالات: فهرستی است که ۵۶۰ مقاله بررسی‌شده در کتاب را در اختیار خواننده میگذارد. این فهرست بر اساس نخستین حرف از عنوان مقاله تنظیم و به تفکیک حروف الفبای فارسی دسته‌بندی شده است. (۳) نام نویسندگان: نمایه‌ی نویسندگان مقالاتی است که نوروزی در کتابش بررسی کرده است. این فهرست نیز به تفکیک حروف الفبای فارسی طبقه‌بندی شده است (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۶۳۹-۶۰۷).

کاستیهای فرهنگ نظامی پژوهی

آنچه در ادامه می‌آید از یک سو حاکی از خطاهایی است که در تألیف و تنظیم کتاب رخ داده و از سوی دیگر، پیشنهادی است برای اصلاح کتاب در چاپهای بعدی آن و میتواند کتاب را از این خطاها عاری سازد. این پیشنهادات با دو رویکرد ساختاری و محتوایی مطرح شده است.

عدم‌دقت در مقالات چاپ مجدد: نوروزی بعنوان مؤلف کتاب شرط کرده مقالاتی را که چاپ مجدد داشته‌اند، معلوم میکند. مهمتر اینکه او درباره‌ی داده‌های مربوط به این موضوع تلاشهای آماری نیز انجام داده، کما اینکه عنوان جدول شماره بیست‌وسه در بخش مقدمه «تعداد و درصد مقالات منتشرشده برحسب دفعات چاپ آنها» است (نوروزی، ۱۳۹۱: سی و شش). باوجوداین ملاحظه میکنیم که او در پیگیری و معلوم ساختن مقالات با چنین ویژگی کنکاش کافی انجام نداده و این امر طبیعتاً موجب میشود آمارهایی که در جدول فوق‌الذکر آمده قابل اعتماد نباشد. برای مثال، وی مقاله‌ای با عنوان «افسانه‌ی ارشمیدس و کنیزک چینی در اسکندرنامه‌ی نظامی» از عبدالحسین زرین کوب را منتشرشده به سال ۱۳۷۶ در کتاب حکایت همچنان باقی (صص ۱۷۸-۱۶۰) ذکر کرده (نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۹۳)، حال آنکه این مقاله خود چاپ مجدد است و اصل آن به سال ۱۳۷۱ (ش) در شماره‌ی هشت

مجله نامه فرهنگستان (صص ۹۲-۱۰۳) چاپ شده و نروزی هیچ اشاره‌ای به این مطلب نکرده و آن را از قلم انداخته است.

عدم دقت در استقصای نام مقالات بازه تحقیق: اگرچه ذکر داده‌ها در جداول و نمودارهای بخش مقدمه کاری ارزنده و موجب تسهیل دسترسی به داده‌هاست، درج داده‌های خطا به همان اندازه گمراه کننده است. برای نمونه، طبق جدول شماره هفت، مؤلف کتاب معتقد است در برهه زمانی ۱۳۶۴-۱۳۶۰ مجموعاً ده مقاله نظامی پژوهی در منابعی که تعیین کرده، منتشر شده است (نروزی، ۱۳۹۱: بیست و پنج)؛ لیکن با کمی دقت میتوان حداقل پانزده مقاله را در فهرست مقالات/یرانی (افشار، ۱۳۴۸: ۷۴۸/۱) و یا حتی در سامانه‌های نورمگز و پورتال جامع علوم انسانی، و جهاد دانشگاهی (sid) مشاهده کرد و این معادل ۵۰٪ خطا در تشخیص بسامد مقالات نظامی پژوهی در آن برهه زمانی و موجب غیرقابل اعتماد بودن آمارها و تحلیلهای جدول مربوط به این مطلب است.

همچنین حد فاصل زمانی مقاله محمدجعفر محجوب (۱۳۲۲ش.) با عنوان «درباره نظامی و خمسه (لیلی و مجنون)» تا مقاله پرویز ناتل خانلری (۱۳۴۳) با عنوان «داستان پدید آمدن یک داستان: لیلی و مجنون نظامی»، حداقل شش مقاله دیگر منتشر شده که نروزی به آنها نپرداخته و همین عامل باعث ضعف در گزارشهای او در این باب است. مقالات مزبور عبارتند از دو مقاله پیاپی از یعقوب واحدی جوزجانی (۱۳۳۹) با عنوان «لیلی و مجنون نظامی و امیرخسرو (۱) و (۲)»، سه مقاله پیاپی از رشید یاسمی (۱۳۴۰) با عنوان «لیلی و مجنون مکتبی (۱) و (۲)» و (۳) و مجدداً مقاله‌ای از محمدجعفر محجوب (۱۳۴۲) تحت عنوان «لیلی و مجنون نظامی و مجنون و لیلی امیرخسرو دهلوی».

از سوی دیگر، گاهی مقالاتی در تحقیق آمده که خارج از بازه زمانی تعیین شده توسط مؤلف کتاب است؛ بعنوان نمونه با مراجعه به اصل مقاله معلوم میشود تحقیقی با عنوان «تجلی آیات قرآنی در شعر نظامی» به تألیف محمد علوی مقدم به سال ۱۳۸۴ منتشر شده، ولی نروزی تاریخ ۱۳۷۴ را برای مقاله ثبت کرده است (ر.ک: نروزی، ۱۳۹۱: ۲۸۳).

عدم دقت در رعایت توالی زمانی تحقیق: خطا در توالی زمانی مقالات نیز بارها رخ داده است. در این موارد احتمال دارد نروزی مقاله یا مقالاتی را پس از تنظیم کل اثر یافته و آن را در محل نامناسب درج کرده باشد. برای نمونه، ذیل قسمت «مباحث تطبیقی» مقالاتی که درباره لیلی و مجنون منتشر شده، ابتدا مقاله محمدحسین کرمی (۱۳۸۰) با عنوان «مکتبی شیرازی و مقایسه لیلی و مجنون او با لیلی و مجنون نظامی» و سپس مقاله کاوه گوهرین (۱۳۷۰) با عنوان «نگاهی به حکایت مجنون و آهوان در لیلی و مجنون نظامی و جامی» ذکر شده است (ر.ک: نروزی، ۱۳۹۱: ۴۶۴-۴۶۲).

در همین قسمت، نویسنده چند مقاله را که پس از سال ۱۳۷۰ منتشر شده آورده، ولی بعد از آنها و بدون توجه به نظمی که خودش تعریف کرده، مقاله‌ای از چندین دهه پیش ذکر کرده است: محمدجعفر محجوب (۱۳۴۲) «لیلی و مجنون نظامی و مجنون و لیلی امیرخسرو دهلوی» (ر.ک: نروزی، ۱۳۹۱: ۴۷۱). این بی‌نظمیها که در چندین جای دیگر کتاب نیز وجود دارد، ترتیب زمانی روند مقالات نظامی پژوهی را دچار اختلال کرده است. برای نمونه ابتدا مقاله‌ای از رضا انزایی نژاد با عنوان «دو تندیس و دو تندیسگر: گذری گذرا در کوی لیلی و مجنون نظامی و فضولی» که به سال ۱۳۷۶ منتشر شده، درج گردیده و سپس در همان قسمت مباحث تطبیقی، مقاله‌ای از جلال ستاری با عنوان «لیلی و مجنون، ویس و رامین و تریستان و ایزوت» آمده که در سال ۱۳۵۴ یعنی بیست و دو سال

پیش از مقاله مزبور منتشر شده است (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۴۸۰-۴۷۸). همچنین در قسمت بررسی دست‌نویزبان و زبان‌شناسی مقالات مربوط به مخزن/الاسرار، پیشرفت روند زمانی مقالات به سال ۱۳۷۲ می‌رسد، اما پس از آن مقالاتی از سال ۱۳۵۳ درج شده است. (ر.ک: همان: ۲۶۵-۲۳۶). نکته قابل توجه اینکه جابجایی‌های نامطلوب مزبور در یک بخش واحد (مثل مباحث تطبیقی یا مباحث زبانی) رخ داده است، و آلاً با تغییر بخش، بازگشت به آثاری که پیشتر منتشر شده است، کاملاً پذیرفتنی بود.

شاهد دیگری از اشتباه در ثبت سال نشر مقالات چنین است که مقاله‌ای با عنوان «معرفی‌های اجمالی» به سال ۱۳۷۳ توسط جويا جهان‌بخش در شماره ۲۷ مجله آيينه پژوهش چاپ شده، ولی نوروزی تاریخ را به خطا سال ۱۳۸۰ ثبت کرده است (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۸۹). و یا مقاله «عذر گناه» از علی‌اکبر سعیدی سیرجانی به سال ۱۳۶۹ در شماره سه مجله نشر دانش منتشر شده، اما مؤلف فرهنگ نظامی پژوهی به خطا، سال ۱۳۶۷ را برای آن ضبط کرده است (ر.ک: همان، ۵۰۵). نیز با مراجعه به اصل مقاله‌ای با عنوان «مباحث اجتماعی در پنج گنج نظامی» از علی‌اکبر ترابی معلوم می‌شود که سال نشر آن ۱۳۷۰ است، اما نوروزی ۱۳۸۰ را برای آن ثبت کرده است (ر.ک: همان، ۱۹۰).

عدم رعایت الگوی واحد در ثبت سال نشر مقالات: مسئله دیگر عدم رعایت الگوی واحد در ثبت سال نشر مقالات است. نوروزی غالباً سال انتشار را بصورت کامل ضبط کرده، ولی گاهی مثلاً در ثبت مقاله‌ای با عنوان «ناکجاآباد در اندیشه نظامی گنجوی» از حجت‌الله اصیل، به جای ۱۳۶۸ مینویسد «۶۸» (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۶۹). این امر اساساً از لحاظ روش تحقیق نیز پذیرفتنی نیست.

خطا در ثبت عنوان مقالات: یکی از خطاهای مؤثری که می‌تواند برای خواننده گمراه‌کننده باشد، اشتباه در ثبت عنوان مقاله است. این امر را اگرچه می‌توان بسادگی جزو خطاهای تاپیی گذاشت (هرچندکه وجود خطای تاپیی هم در کار پژوهشی پذیرفتنی نیست)، وقتی باعث می‌شود خواننده نتواند مقاله را در فهرست درست بیابد، مشکل‌آفرین می‌شود. برای مثال خواننده توقع دارد مقاله‌ای با عنوان «اسبغه حکیم نظامی گنجوی»، به تألیف مرتضی مدرّسی چهاردهی (۱۳۱۸) را که در بحث از کلیات خمسه آمده (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۴۰) در نمایه، ذیل فهرست «الف» بیابد، لیکن چون عنوان صحیح آن «سبعه حکیم نظامی گنجوی» بوده، طبیعتاً ذیل حرف «س» دسته‌بندی شده است (همان، ۶۲۰).

خطا در ضبط نام نویسندگان مقالات: یکی از مواضعی که نویسنده کتاب دچار اشتباه‌های متعدّد شده، نام و نام خانوادگی نویسندگان مقالات است. این خطاها صورتهای مختلف دارد. مثلاً در نمایه نویسندگان فقط نویسنده‌ای با نام خانوادگی «ترابی» ملاحظه می‌شود که اسم کوچک او «علی‌اکبر» است (ر.ک: همان، ۶۳۴)؛ درحالیکه در متن تحقیق، مقالاتی از نویسنده‌ای دیگر به اسم «سیدمحمد ترابی» هم وجود دارد (همان، ۲۳۶ و ۲۴۱). همچنین در نمایه نویسندگان نویسنده‌ای با نام «عبدالرحمن عبادی» ملاحظه می‌شود (همان، ۶۳۷)، حال آنکه نام خانوادگی صحیح این نویسنده «عمادی» است (همان، ۵۳۶).

جنبه دیگر ضبط ناقص اسم نویسندگان است که موارد آن متعدّد و صورتهای رخ دادن خطا در آن گوناگون است. در نمایه نویسندگان نیز نام برخی مؤلفان کامل ثبت نشده است؛ مثل «سیدامیر محمود انوار» مؤلف مقاله «معرفی

کتاب هیئت منظوم و ارتباط آن با بیتی از حکیم نظامی» (۱۳۷۲) که به اسم «محمود انوار» ضبط شده و یا مقاله «توضیح بیتی از لیلی و مجنون نظامی» از «عبدالوهاب نورانی وصال» (۱۳۷۲) است که نوروزی به خطا، «وصال» را بعنوان نام کوچک و «نورانی» را بعنوان نام خانوادگی وی آورده است (نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۰۱).

نیز نام نویسنده مقاله‌ای با عنوان «هفته در هفت پیکر» (۱۳۶۲) را هم در متن و هم در نمایه نویسندگان «همایون» ثبت کرده است (نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۴۵؛ ۶۳۹؛ ۵۴۸). درحالیکه با مراجعه به اصل مقاله معلوم میشود نام کامل این نویسنده «همایون صنعتی‌زاده کرمانی» است. نیز مقاله «مروری بر آرمان‌شهر نظامی» که در دو بخش متوالی منتشر شده، توسط «محمداحمد پناهی سمنانی» (۱۳۷۰) تألیف شده، اما نوروزی فقط به ذکر «پناهی سمنانی» اکتفا کرده است. نکته قابل توجه اینکه لاقفل در این مورد، اسم کوچک نویسنده بر نوروزی معلوم بوده، زیرا در نمایه نویسندگان آن را بشکل کامل ذکر کرده (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۶۳۴)، ولی در متن تحقیق چندین بار آن را بصورت ناقص آورده است (همان، ۵۶۶؛ ۵۷۱؛ ۵۷۲).

همانند این خطا بارها در مورد نویسنده دیگری با اسم کامل «صدرالدین ظهیرالاسلام‌زاده دزفولی» رخ داده است. نام و مشخصات کامل او در بخش نمایه وجود دارد (همان، ۶۳۷)، ولی در مقالات متعدّد او که در جای جای متن کتاب آمده، به جز یک مورد (همان، ۵۰۰)، نام وی به اشکال گوناگون و بصورت ناقص ضبط شده است (همان، ۱۰۱۶۲، ۲۸۷، ۴۲۱، ۵۰۵، ۵۰۱، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۸۷، ۶۰۰).

در مواردی هم مشاهده میشود که نوروزی در امر درج نام نویسندگان مقالات، یکدستی و هماهنگی را رعایت نکرده است. مثلاً با آنکه او در مجموع، نام و نام خانوادگی نویسندگان را بشکل کامل ذکر میکند، در بعضی مواضع به ذکر حرف نخست اسم کوچک و اسم میانی ایشان بسنده کرده است؛ برای مثال «یوگنی ادواردویچ برتلس» (۱۳۲۰) مؤلف مقاله «تصحیح یک بیت شرف‌نامه» را بصورت «برتلس، ای.» آورده است (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۸۷).

گاهی نام خانوادگی نویسنده دوبخشی است. مؤلف فرهنگ نظامی پژوهی بخشی از آن را بعنوان نام کوچک و بخشی دیگر را بمثابة نام خانوادگی نویسنده مقاله ثبت کرده است. برای مثال، نویسنده مقاله «عشق را هم عشق باشد راه حل: ارزیابی لیلی و مجنون نظامی و جامی» شخصی به نام «رمضان ابراهیم‌زاده گرجی» (۱۳۷۱) است، ولی نوروزی آن را بصورت «ابراهیم‌زاده گرجی» آورده است (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۴۶۶).

آوردن عناوین برای اشخاص در متون علمی پذیرفته نیست و اگر این خطا بگونه‌ای باشد که خواننده را دچار اشتباه در تشخیص نام صحیح محقق کند، تأثیر منفی مضاعف بر تحقیق خواهد داشت. در کتاب نوروزی «مهین مستشرق نظامی پرست (پروفسور ریپکای چکسلواکی)» عنوان مقاله‌ای از حسن وحید دستگردی (۱۳۱۴) است. افزودن رتبه دانشگاهی و ملیت این مستشرق، آن هم بگونه‌ای که ملاحظه میشود، اشتباهی است که رخ داده است (نوروزی، ۱۳۹۱: ۱۳۳). همچنین او نام نویسنده مقاله‌ای با عنوان «تقریظ برنامه‌های حکیم نظامی» را بصورت «پروفسور ورما، متخلص به شاکر» ضبط کرده که با روش تحقیق تناسبی ندارد و اساساً ذکر رتبه علمی نویسندگان در این قسمت صحیح نیست (ر.ک: همان، ۲۲۲).

یکی دیگر از خطاهایی که بسیار نمود نامطلوب در اثر نوروزی یافته، اشتباه در درج بخشی از عنوان مقاله به جای نام نویسندگان آن است. در تاریخ ادبیات شرق دور، دو عاشق به نام جوئین تای و لیان شان پو ملاحظه میشود که داستان عشق آنها شباهتهایی با داستان دلدادگی لیلی و مجنون دارد و نویسنده‌ای با نام ژوبین گائو (۱۳۷۲) به

آن پرداخته است، لیکن درج مشخصات مقاله بشکل زیر موجب میشود خواننده‌ای که با اصل ماجرا آشنا نیست، دو عاشق چینی را جزو نویسندگان مقاله بشمار آورد:

«لیلی و مجنون نظامی»، جوئین تای (Jvyyin Tai)، لیان شان پو چین (Lin Chung Kao Chiu)، و ژوبین گائو (Zhubyn Gao)، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی، به اهتمام منصور ثروت، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۲، صص ۱۶۹/۲-۱۶۳ (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۱: ۴۹۱).

بعلاوه در این کتاب نمونه‌های متعددی از خطا در نام و نام خانوادگی نویسندگان خارجی میتوان مشاهده کرد. برای مثال نویسنده مقاله‌ای با عنوان «فاتح و حکیم و پیغمبر: تصویر اسکندر کبیر در حماسه نظامی» (۱۳۷۵) یوهان کریستوفر بورگل است، حال آنکه نوروزی آن را ژان کلود بورگل ثبت کرده (نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۸۵) که اساساً شخص دیگری است. یادآوری میشود که در همین مثال، شماره نشریه و صفحاتی که مقاله در آن منتشر شده نیز بخطا ثبت شده است. شکل صحیح به این صورت است: بورگل، یوهان کریستوفر. (۱۳۷۵)، «فاتح و حکیم و پیغمبر: تصویر اسکندر کبیر در حماسه نظامی»، ترجمه اسماعیل سعادت، مجله معارف، شماره ۳۹، آذر تا اسفند، صص ۶۱-۴۳.

سواى نویسندگان خارجی، گاهی هم نوعی خطا در ثبت و ضبط نام نویسندگان ایرانی ملاحظه میشود که عجیب مینماید. برای نمونه از نوروزی بعنوان محققى بادقت که چنین داده‌های ارزشمندی را در کتابش فراهم آورده، بعید مینماید که مشخصات شغلی و مرتبه‌ای کسی را به جای نام و نام خانوادگی او درج کند. برای مثال، مقاله‌ای با عنوان «نوآوری حکیم نظامی گنجوی در اسکندرنامه در مقایسه با داستان اسکندر در شاهنامه» توسط محمد علی‌زاده (۱۳۷۲) تألیف شده که ذکر نام او بشکل «مبارز آکادمیسن علی‌زاده» جای تأمل دارد (نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۶۰).

خطا در ثبت ارجاعات درون‌متنی: اشتباهاتی نیز در ثبت نشانی مقاله‌ها مشاهده میشود و این در صورتی است که نوروزی خود به اهمیت دقت در باب نشانیها واقف است و بارها در کتاب خویش بر اینکه نویسنده‌ای ارجاعات مطالب را دقیق ذکر کرده باشد یا نقصانی در آن دیده نشود، تأکید ورزیده است. نمونه‌های این خطا را تقریباً در سراسر کتاب میتوان یافت، مثل:

شماره صفحات مقاله محمدحسن تهرانی (۱۳۷۳) «پابه‌پای پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد» (نوروزی، ۱۳۹۲: ۵۸۸)،

جابجایی در شماره مجله و شماره پیاپی آن، همچون مقاله «دوچهرگی اسکندر در ادب ایران» از میرجلال‌الدین کزازی (۱۳۷۲) که صورت صحیح آن شماره ۱ مجله کیهان فرهنگی و پیاپی ۹۶ است، اما شماره پیاپی ۱ ثبت شده که کاملاً غیرمنطقی است (همان، ۵۸۴)،

نیز، نشانی مقاله‌ای با عنوان «معرفیهای اجمالی» از جويا جهان‌بخش «مجله آيينه پژوهش، شهرپور، ۱۳۸۰، صص ۲۳۵-۲۳۳» ثبت شده (نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۸۹) که با مراجعه به اصل مقاله معلوم میشود صورت صحیح آن «مجله آيينه پژوهش، شماره ۲۷، مهر و آبان، ۱۳۷۳، صص ۸۴-۶۹» است. البته باید دقت کرد که اینها دو چاپ مختلف از یک مقاله در دو تاریخ و دو شماره مختلف یک مجله واحد نیست، بلکه موردی واحد است.

نتیجه‌گیری

در این جستار پس از معرفی ظاهری، ساختاری و محتوایی کتاب فرهنگ نظامی پژوهی که در واقع رساله دکتری

زینب نوروزی بوده است، ارزش افزون این اثر مطرح شد که مربوط به پرداختن به نظامی گنجوی، شاعر نامدار و تأثیرگذار سده ششم هجری است. این امر موجب اهمیت کتاب نوروزی برای نظامی پژوهان میشود. انتخاب بازه زمانی مشخص برای انجام تحقیق و محدود ساختن مقالاتی که در این بازه منتشر شده و در نظر گرفتن مجالی برای یافتن مقالات در دست انتشار بر ارزش تحقیقی این فرهنگنامه افزوده است. ذکر مضامین اصلی هر مقاله‌ای که در کتاب ثبت شده، خواننده را از مراجعه به مقاله موردنظر برای درک موضوع آن بی‌نیاز کرده است. نویسنده کتاب هر جا نیاز دیده، آرای انتقادی خود را نیز درباره مقاله‌ای که ثبت میشود، بیان کرده است. این آرای انتقادی هم شامل محسنات و نقاط قوت مقاله و هم دربرگیرنده ایرادات و نواقص آن از ابعاد ساختاری و محتوایی است. یکی دیگر از محسنات محتوایی کتاب نوروزی ذکر آثاری است که درباره یک مقاله تولید شده و باعث میشود خواننده‌ای که قصد دارد یک موضوع خاص را پیگیری کند، آسانتر بتواند آثار بعدی را بشناسد. در این کتاب منابع اصلی مقالات نیز بر خواننده معلوم شده و او را از مراجعه به اصل مقاله در این باب بی‌نیاز کرده است. علاوه بر جا نویسنده مقاله در آوردن ارجاعات درون‌متنی یا ذکر بخش منابع و مآخذ قصور ورزیده، تعیین شده است. یکی از ویژگیهای ارزشمند کتاب موردبحث آن است که مقالات را براساس محتوای آنها دسته‌بندی کرده است. به عبارت دیگر، هر بحث از کتاب خود به چهارده زیرمجموعه موضوعی تقسیم شده است. این امر باعث شده خواننده‌ای که موضوعی خاص را در مقالات نظامی پژوهی جستجو میکند، بسادگی آن را بیابد. ذکر مهمترین یافته‌های تحقیق از مسیر بررسیهای آماری در جدولها و نمودارهای متعدد به خواننده کمک میکند نمایی کلی از روند ابعاد مختلف نظامی پژوهی را بسادگی در اختیار داشته باشد. نمایه‌های سه‌گانه کتاب نیز منبع ارزشمندی در اختیار خواننده قرار داده که شامل منابع و مآخذ، عنوان مقالات و نام نویسندگان است.

در کنار محسنات این کتاب، خطاهایی در تألیف و تنظیم آن رخ داده که ذکر آنها در واقع بمنزله پیشنهادی برای اصلاح کتاب از ابعاد ساختاری و محتوایی در چارچوب بعدی است: عدم ذکر برخی مقالات و عدم استقصای تام مقالاتی که در برهه زمانی مشخص چاپ شده و نیز عدم توجه به چاپ مجدد بعضی مقالات و همچنین ذکر مقالاتی که خارج از بازه زمانی تعیین‌شده تحقیق هستند، موجب نقص در اطلاع‌رسانی به مخاطب در این ابواب و نیز باعث غیرقابل اعتماد شدن برخی محاسبات آماری است که با توجه به این مؤلفه‌ها انجام شده است. خطا در توالی زمانی مقالات نیز بارها رخ داده که موجب سردرگمی خواننده میشود. در این موارد احتمال دارد نوروزی مقاله یا مقالاتی را پس از تنظیم کل اثر یافته و آن را در محل نامناسب درج کرده باشد. نیز گاهی سال انتشار مقالات بخطا ثبت شده و گاهی الگوی واحد و پذیرفته‌شده تحقیقات علمی برای درج سال نشر آثار رعایت نشده است. از دیگر اشتباهات این تحقیق خطا در ثبت عنوان دقیق مقاله و در نتیجه قرار گرفتن در محل اشتباه در نمایه مربوطه، خطا در نام و نام خانوادگی نویسندگان مقالات، از جمله ثبت ناقص آنها، افزودن عنوان مقاله به نام نویسنده، ذکر رتبه علمی و یا شغل و حرفه نویسندگان در محل درج نام ایشان، عدم رعایت یک‌دستی و الگوی پذیرفته پژوهشی برای ضبط نام نویسندگان، خطا در تشخیص نام صحیح نویسندگان، و اشتباه در اسمهای شبیه هم بخصوص درباره نویسندگان خارجی است. اشتباهاتی نیز در ثبت نشانی مقاله‌ها، از جمله شماره مجله موردنظر، شماره صفحات درج مقاله، خطای کلی در ثبت جزئیات نشانی مقاله و... مشاهده میشود و این در صورتی است که نوروزی خود به اهمیت دقت در نشانیها واقف است و بارها در کتاب خویش بر اینکه نویسنده‌ای نشانی مطالب را دقیق ذکر کرده باشد یا نقصانی در آن دیده نشود، تأکید ورزیده است.

در نگاهی کلی به مجموع محسنات و کاستیهای این کتاب، میتوان گفت فرهنگ نظامی پژوهی جزو آثار ارزشمند تحقیقی در حوزه کتابشناسی ادبیات فارسی است که با رفع نواقص مطرح شده در چاپهای آتی، میتواند اثری قابل اعتماد برای پژوهندگان این حوزه باشد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد استخراج شده است. آقای دکتر سیدجواد مرتضایی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای سیدعلی رضوانی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Abdi, L. Et al. (2011). "Proposing a New Framework for Descriptive-Analytical Bibliography with Emphasis on Critical Perspective". *Journal of Information Research and Public Libraries*, No. 1, Consecutive 72, spring, pp. 21-51.
- Carter, J. & Barker, N. (2004). "Bibliography" in ABC for Book Collectors, 8th ed. London: Oak Knoll Press and British Library.
- Haqiqi, F. (2013). "A Critique of the Bibliography of Contemporary Persian Fiction". *Journal of Literary Criticism*, 24 (6), winter, pp. 199-213.
- Nosrati, M. (2012). Introduction to Literary Meta-Criticism, Kerman: Author.
- Nowruzi, Kh. (2008a). "Analysis of the approach of Nezâmi research in the books of Iranian researchers from 2001 to 2005". *Bi-Quarterly Journal of Persian Language and Literature Research*, No. 10, spring and summer, pp. 80-100.
- Nowruzi, Kh. (2008b). "Critique and analysis of Nezâmi-research in Persian books (1921-2005)". PhD Thesis in Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University.
- Nowruzi, Z. (2007). "Nezâmi-research course in the last eighty years". Farzân Articles Collection, Birjand: Birjand University.
- Nowruzi, Z. (2010). "Pathology of research related to Nezâmi Ganjavi". Proceedings of the Fifth Conference on Persian Language and Literature Research, Tehran, Vol. 1, pp. 1602-1620.

- Nowruzi, Z. (2012). Bibliography of Nezâmi Research. Tehran: Scientific and Cultural.
- Seddiq Behzâdi, M. (1995). "Articles". Academy Letter Journal, No. 4, winter, pp. 126-131.
- Smith, J. (2009). Encyclopaedia Britannica. 8th ed. Chicago: Encyclopaedia Britannica Pub.
- Soltâni, P. & Haqiqi, F. (2000). Encyclopedia of Library and Information Science. 2nd ed., Tehran: Contemporary Culture.

فهرست منابع فارسی

- حقیقی، ف. (۱۳۹۲). «نقدی بر کتابشناسی ادبیات داستانی معاصر فارسی». مجله نقد ادبی، (۲۴)، ۶، زمستان، صص ۲۱۳-۱۹۹.
- سلطانی، پ. و راستین، ف. (۱۳۷۹). دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. چاپ دوم، تهران: فرهنگ معاصر.
- صدیق بهزادی، م. (۱۳۷۴). «مقاله‌نامه‌ها». مجله نامه فرهنگستان، شماره ۴، زمستان، صص ۱۳۱-۱۲۶.
- عبدی، ل. و همکاران. (۱۳۹۰). «پیشنهاد چارچوبی نو برای کتابشناسی توصیفی-تحلیلی با تأکید بر دیدگاه انتقادی». مجله تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، شماره ۱، پیاپی ۷۲، بهار، صص ۵۱-۲۱.
- نصرتی، م. (۱۳۹۱). مقدمات فرآیند ادبی، کرمان: مؤلف.
- نوروزی، ز. (۱۳۹۱). فرهنگ نظامی پژوهی. تهران: علمی و فرهنگی.
- نوروزی، ز. (۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی تحقیقات مربوط به نظامی گنجوی». مجموعه مقاله‌های پنجمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، تهران، ج ۱، صص ۱۶۲۰-۱۶۰۲.
- نوروزی، خ. (۱۳۸۷). «نقد و تحلیل تحقیقات نظامی پژوهی در کتابهای فارسی (۱۳۸۴-۱۳۰۰)». رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- نوروزی، خ. (۱۳۸۷). «تحلیل رویکرد تحقیقات نظامی‌شناسی در کتابهای محققان ایرانی از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ ش.». دوفصلنامه پژوهش زبان و ادب فارسی، شماره ۱۰، بهار و تابستان، صص ۱۰۰-۸۰.
- نوروزی، ز. (۱۳۸۶). «سیر نظامی پژوهی در هشتاد سال اخیر». مجموعه مقالات فرزانه، بیرجند: انتشارات دانشگاه بیرجند.

معرفی نویسندگان

سیدعلی رضوانی: مربی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران و دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

(Email: rezvani@iaus.ac.ir)

سیدجواد مرتضایی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

(Email: gmortezaei@ferdowsi.um.ac.ir; نویسنده مسئول)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Seyyed Ali Rezvani: Instructor, Department of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran and PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
(Email: rezvani@iaus.ac.ir)

Seyyed Javad Mortezaei: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
(Email: gmortezaei@ferdowsi.um.ac.ir; Responsible author)